

رفراندوم؛

برگی از اوراق خاطراتم!

قسمت بیست و یکم

محمد رجیبی



ضعیف، توده را خواب کردند؟ برای خواب کردن توده آمدند؟ و این‌ها عمل قدرتمندها هستند؟ یک مطالعه‌ای در حال آنها بکنیم که ببینیم این‌ها عمل قدرتمندان یا نه؟ یک مطالعه‌ی جزئی هم در قرآن بکنیم که ببینیم قرآن آمده است برای ذکر و دعا و برای حُز و امثال ذلک یا نه، قرآن را نشناختند؟ اگر در قرآن مطالعه کنید، می‌بینید که آن‌قدر آیات در [مورد] جنگ هست که وادار به جنگ است؛ وادار به جنگ با کی؟ یا قدرتمندها. قرآن آیات زیاد – یکی دوتا نیست – آیات زیاد دارد در [مورد] جنگ، در کیفیت جنگ و جنگ‌هایی که در صدر اسلام بوده است، بین قدرتمندها و بین پیغمبر اسلام بوده قرآن یک کتابی است که از آن تحرک بیشتر استفاده می‌شود تا چیزهای دیگر. یک کتابی است که مردم را حرکت داده است؛ از این خمودی که دارند حرکت داده است و با همه طاغوت‌ها درانداخته است قرآن.

• جنگ‌های پیامبر با قدرتمندان و سرمایه‌داران:

آن‌وقتی که پیغمبر اکرم در حجاز بودند، قدرتمندهای حجاز که ابتدائاً سروکار داشته پیغمبر با آنها؛ یک دسته‌شان در مکه بودند که تجار خیلی معتبر و قدرتمند بودند؛ یک دسته‌شان در طایف بودند که آنها هم ثروتمندهای آنجا بودند و قدرتمندهای آنجا بودند، ابوسفیان و امثال‌ها. این‌ها نظیر حکام و سلاطین بودند و دارای همه‌چیز بودند، و پیغمبر اسلام با آنها درافتاد وقتی که تشریف آوردند به مدینه، با همین فقرا بودند ایشان؛ نه با ثروتمندها بودند برای خواب کردن جمعیت. با فقرا بودند برای بیدار کردن فقرا. این فقرا را شورانند به آن اغنیایی که مال مردم را می‌خورند و ظلم به مردم می‌کردند. جنگ‌های پیغمبر زیاد است و همه‌ی این جنگ‌ها، جنگ‌های با ثروتمندها و قدرتمندها و ظلمه بوده است.

• پیامبران الهی در ستیز با اشراف و ستمکاران:

جلوتر بروید؛ حضرت موسی – سلام‌الله‌علیه – عصایش را برداشت با فرعون، با سلطان... مصر، با او درافتاد، نه اینکه از قتل سلطان مصر مردم را خواب کرد، مردم را با همین عصا و با همین تبلیغات بر ضد سلطان عصر خودش شوراند. ابراهیم را که ملاحظه می‌کنید، تیشه‌اش را برداشت این بت‌هایی که مال اشراف بود، شکست و با اشراف درافتاد برای منافع توده‌ها و برای اینکه ظلم به توده‌ها این‌ها نکنند. البته آنها معنویات هم نقطه‌ی اصلیش [آن] بوده است لکن وقتی می‌دیدند که یک ظلمی در جامعه واقع می‌شود، موظف می‌دانستند خودشان را که با آن سرانی که ظلم می‌کنند، درافتند و جنگ بکنند [و یا] هر جوری که ممکن است برایشان با آنها درافتند. [۱]

مسلمانان ناآگاه، رویاروی اسلام

پس، اینکه می‌گویند که این‌ها را قدرتمندها قرار داده‌اند برای خواب کردن، این یک چیزی است که حرف استعمار است؛ یعنی آنها این را درست کردند برای اینکه شما را از قرآن و از کتاب خدا و

هستید. اگر آنها موفق بشوند، توفیق شما هم هست. الان جوان‌های ما بسیارشان هستند که نمی‌توانند برگردند به مملکت خودشان ولو اینکه یک کلمه، بله یک کلمه اینجا حرف زده باشند. یا یک‌وقت شاه آمده باشد و این‌ها درد دلشان را اظهار کرده باشند، تظاهر کرده باشند، دیگر تا آخر اسمشان ثبت است؛ نمی‌توانند بروند به مملکت خودشان.

• خواست مردم حکومت عدل اسلامی:

این مردمی که الان قیام کرده‌اند، از بچی دبستانش دارد کشته می‌دهد تا دبیرستان و تا دانشگاهش دارد کشته می‌دهد، بازاری‌اش کشته می‌دهد، روحانی‌اش کشته می‌دهد، روحانی‌اش زجر می‌کشد، بازاری‌اش زجر می‌کشد، دانشگاهی‌اش زجر می‌کشد و همه دارند فریاد می‌زنند، هر روز تظاهر، هر روز تظاهر و فریاد اینکه مرگ بر این آدم، مرگ بر سلطنت پهلوی، این‌ها می‌خواهند که مملکتشان دست خودشان باشد و خودشان اداره بکنند. جوان دارند، دانشمند دارند، همه‌چیز دارند، لکن نمی‌گذارند. این‌ها می‌خواهند این طبقه‌ای که نمی‌گذارند جلو برود مملکتشان، نمی‌گذارند جوان‌هایشان درست تربیت بشود، این‌ها را کنار بگذارند. یک حکومت عدل اسلامی [می‌خواهند] که به درد مردم برسد؛ آن حکومتی که وقتی که حکومتش و حاکمش سرکار می‌آید، می‌گوید که من می‌ترسم، خودش نان، مثلاً جو می‌خورد، می‌گوید: من می‌ترسم که در فلان شهر، در یمامه، در کجا، یک کسی باشد که ناناش [از] همین‌جورها کمتر باشد و همین‌جورها باشد. ما نمی‌توانیم البته مثل او؛ ولی ما می‌خواهیم یک کسی باشد [که] دزد نباشد لاقال.

• همراهی با ملت ایران:

ما همه موظفیم که هر قدر می‌توانیم به برادرهای ایرانی‌مان کمک کنیم. شماها می‌توانید که هر کدامتان چند نفر از آن اروپایی‌ها را که ملاقات می‌کنید، مسائلتان را طرح بکنید که این ایرانی‌ها که حالا قیام کرده‌اند، این‌ها را دارند می‌گویند، نگذارند حرف بزنند. این‌ها خواب کنند مردم را و آنها... اموالشان را ببرند. این را این‌قدر تبلیغ کردند و گفتند که حتی بعض روشنفکرهای ما هم که بی‌اطلاع از قرآن و سنت بودند، باورش‌ان آمده است و آنها هم دنبال کردند و هم‌نفس شدند با آنها. ما نباید هر حرفی که بشنویم یا منتشر باشد بین اقشاری، نباید بی‌دلیل مطلب را قبول کنیم. انسان اگر بی‌دلیل یک مطلبی را قبول کند، این مریض است؛ انسان سالم نمی‌شود که مطلبی به او بگویند و بی‌دلیل، همین‌طوری وقتی گفتند، قبول کنند.

• قرآن، کتاب خروش و خیزش و تحرک:

ما باید یک مطالعه‌ی سطحی، لازم نیست خیلی مطالعه‌ی دقیق، یک مطالعه‌ی سطحی در قرآن بکنیم؛ یک مطالعه‌ی سطحی در آن‌هایی که مردم را دعوت کردند و پیغمبرهایی که مردم را دعوت کردند، بکنیم؛ ببینیم که آیا آن‌هایی که دعوت کردند مردم را، این‌ها یک اشخاصی بودند که آمدند و توده را

هم نمی‌بینم آن‌طوری که باید باشد. نمی‌گذارند حرف حق ما به دنیا برسد.

این‌ها [۳] با تمام فعالیت دنبال این هستند که نگذارند یک حرف حقی به مردم برسد، به دنیا برسد؛ نگذارند درد دل این ملت به دنیا برسد؛ نگذارند این کشتاری که این‌ها دارند هر روز می‌کنند [خبرش به دنیا برسد]. شاید همین حالا مشغول باشند؟ من الان نمی‌دانم؛ اما وضع جوری شده است که هر روز این مسائل هست. هر جا می‌بینید، هر وقت شما روزنامه‌ها را ببینید که حالا گاهی یک کلمه‌اش را می‌نویسند یا رادیوهای خارجی را ببینید که آنها هم همه‌اش را نمی‌نویسند، باز هر جا نگاه می‌کنی، می‌بینی چند نفر کجا کشته شده؛ چند نفر، یک مقدارش را خودشان می‌گویند؛ بعد وقتی که اطلاع به ما می‌دهند، می‌گویند که شما این را ضرب‌در ده بکنید! این‌چنین نیست که ده نفر، صد نفر کشته شده‌اند. هر روز این مصیبت برای این‌ها باقی است.

• ملت خواهان آزادی و استقلال:

خوب، این ملت چه می‌خواهد که این‌قدر کشته می‌دهد؟ این ملت را از زبان خودش بشنوید. شما آن چیزهایی که آنجا ضبط شده است از این ملت، ضبط شده است، ضبط کرده‌اند، خوب ببیند دنیا از زبان خود ملت بشنوند که این ملت چه می‌خواهد. چرا این‌قدر هیاهو می‌کند. این ملت بهش آزادی داده‌اند و این‌قدر داد می‌زند؟ این ملت «تمدن بزرگ» واردش کرده‌اند، [از] دروازه‌ی تمدن بزرگ و از تمدن بزرگ داد می‌زند؟ فریادش این است که شما تمدن بزرگ دارید درست می‌کنید و ما نمی‌خواهیم؟! فریادش این است که شما آزادی دارید می‌دهید و «آزادمردان» و «آزادزنان» درست کرده‌اید و ما نمی‌خواهیم؛ یا دارند فریاد می‌زنند آقا، ما آزادی می‌خواهیم، ما استقلال می‌خواهیم، ما حکومت اسلام می‌خواهیم، ما حکومت عدل می‌خواهیم، ما می‌خواهیم یک کسی، یک حکومتی، سر کار بیاید که دزد نباشد؛ اقل مطلب! اقل مطلب اینکه این حکومت دزد نباشد، بیت‌المال مسلمان را نبرند در خارج، چیز بخرند برای خودشان و برای عشیره‌شان؛ در ممالک دیگر آن‌قدر چیزها نخرند؛ در بانک‌های خارجه نگذارند این مال ملت را به اسم خودشان. ما یک همچو چیزی می‌خواهیم. این ملت دارد داد می‌زند ما آزادی می‌خواهیم، این آقا می‌گوید ما آزادی داده‌ایم! اگر دادید چه را می‌خواهند؟ چه چیز را می‌خواهند دیگر؟ اگر شما آزادی دادید این همه کشتار آزادی است؟ این حکومت آشتی است که شما درست کردید که ایران را به خون کشیدید؟! این آشتی‌تان است، جنگتان چه خواهد بود؟

• لزوم پیوستن ایرانیان مقیم خارج به نهضت اسلامی:

شما آقایان هم که در خارج هستید، موظفید که پیوند داشته باشید با برادران ایرانی. این برادرها برای شما قیام کرده‌اند؛ یعنی قیام آنها قیامی است که اختصاص به خودشان ندارد، شما هم شریک آنها

• **بیانات آیت‌الله خمینی:** رادیوتان را تا باز می‌کنند یا رقص توی آن هست و غنا در آن هست – که بچه‌های ما خراب می‌شوند – یا تعریف از «آریامهر» می‌شود!

• ما با مظاهر عقب‌ماندگی مخالفیم:

یک چیزی بیاورید [که] ما ببینیم شما یک تربیت و تعلیم صحیح دارید؟ خوب، ندارید شما. ما با رادیویی که فاسد کند بچه‌هایمان را مخالفیم، نه با رادیو مخالف باشیم.

رادیو را دست ما بدهید که ما اداره بکنیم، ما خیلی هم با آن موافقیم، ما رادیو را بهتر از شما اداره می‌کنیم. شما تلویزیون دارید؛ ولی عکس‌هایی که لابد در آن نشان داده می‌شود که گفته می‌شود در آن نمی‌دانم عکس‌هایی است که جوان‌های ما را ضایع دارد می‌کند. یک نسل را دارند خراب می‌کنند. ما با این مخالفیم، نه با مظاهر تمدن. ما با مظاهر عقب‌ماندگی مخالفیم.

مخالفت روحانیون، با شاه و غارتگران است.

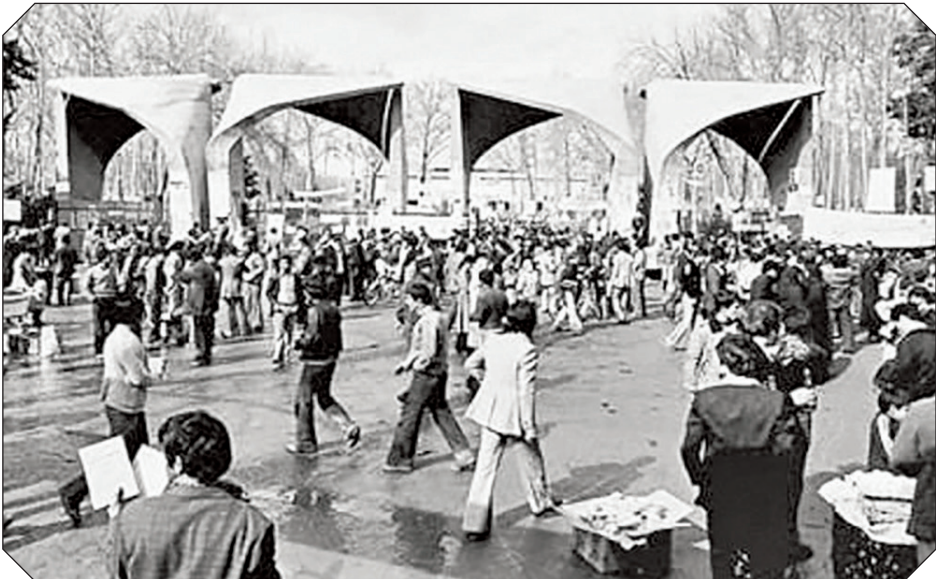
این‌ها می‌خواهند ما را عقب نگه دارند، ما با این مخالفیم. روحانیون اگر مخالف‌اند، با این چیزها مخالف‌اند. کدام روحانی گفته است که اگر رادیو حرف صحیح بزند، اگر تعلیمات صحیح بدهد، ما با آن مخالف هستیم؟ کدام روحانی گفته است که اگر تلویزیون تعلیمات صحیح بکند و رشد بدهد ملتمان را، ما مخالفیم؟ با این چیزهایی که دست این‌ها افتاده است، مخالفیم. ما با این سرمدمدارهایی که مملکت ما را دارند ضایع می‌کنند مخالفیم، ما با این شاه مخالفیم، ما با این و پدرش مخالفیم که پدر این ملت را درآوردند. تمام منافع شما را الان این‌ها از بین دارند می‌برند و بردند.

آینده‌ی نامعلوم ایران، بدون نفت

نفت ندارید بعد از چند وقت دیگر، به این‌طوری که دارند می‌فروشند. زراعت را هم. که به هم زدند؛ بازار برای آمریکا درست کردند. این نسل بعدی، بعد از سی سال، دیگر این‌ها چه جور زندگی کنند در این مملکت؟ آخر ما باید حفظ آن جهات را بکنیم. همین خودمان برویم تمام شد؟ والا من آدم هشتاد، نزدیک هشتاد ساله‌ام یک سال دیگر، شش ماه دیگر هستیم؛ اما ما مسئول هستیم از طرف اسلام، ما پیش ملت مسئولیم؛ باید مسائل را به مردم برسانیم، بگویم که این‌ها دارند به سر این ملت چه می‌آورند.

• ایجاد مزاحمت و فشار:

وقتی می‌گوییم که باید چه بشود، خوب اسباب این می‌شود که فعالیت‌ها بکنند که ما نتوانیم [کاری بکنیم]، نه عراق بتوانیم بمانیم، نه کویت ما را راه بدهند، نه سوریه تا حالا اجازه توانستیم [بگیریم، یا نگفتیم به آنها، لکن نمی‌دهند آنها هم این چیزها [روایت] را. ممالک اسلامی را من دیدم نمی‌شود ما زندگی کنیم؛ یعنی نمی‌توانم من آن مقصدی که دارم در ممالک اسلامی اجرا بکنم؛ پاشدم آدمم اینجا. اینجا



اصلی‌ترین عامل طلاق

محمدعلی مختارزاده- کارشناس حقوق خانواده و عضو شورای حل اختلاف کلزورن



است؛ بدین معنا که زوجین احساس‌های عاشقانه و بامجبئی را که در اوایل زندگی زناشویی نسبت‌به هم داشته‌اند همیشه و مستمر، سرسبز نگه دارند و این سرسبزی باعث می‌شود که زن و شوهر به نیازهای یکدیگر اهمیت بدهند و حس مهم‌بودن را به یکدیگر منتقل کنند.

درنتیجه و با توجه به موارد فوق می‌توان گفت اصلی‌ترین عامل جدایی و طلاق، بی‌اهمیتی به نیازهای همسر و تأمین‌نکردن اوست و برای جلوگیری ازاین‌گونه اختلاف‌ها و مشکلات در زندگی مشترک، می‌بایست هم زوج و هم زوجه ضمن اهمیت‌دادن به نیازهای عاطفی و جنسی و روحی همسر خود، اگر مشکل یا اختلافی بین خود و همسرشان احساس کردند، ضمن صحبت و فکرکردن و انتخاب مناسب‌ترین راه، جهت مرتفع‌نمودن و حل‌وفصل مشکلات، به‌موقع اقدام کنند تا دوباره مشکلات گذشته باعث ازدیاد و تشدید اختلاف‌ها نگردد و همدیگر را دوست داشته باشند و مهر و محبت بیشتری نسبت‌به همدیگر داشته باشند تا آنجا که به فضل خداوند تمام مشکلاتشان مرتفع شده و زندگی شیرین، مملو از مودت و مهربانی و به دور از اختلافات داشته باشند و به نیازهای یکدیگر اهمیت بیشتری دهند.

که زن و شوهر با زحمت به دست آورده‌اند، زیر پاهای سنگین طلاق لگدمال می‌کنند و نهایتاً کار را به‌جایی می‌رسانند که راه برگشتن به محیط امن خانواده را برای یکدیگر ناامن دانسته و مناسب‌ترین راه را طلاق می‌دانند و لذا اگر زوجین اختلاف‌ها و مشکلات زندگی و زناشویی خود را زود و به‌موقع یا با کمک افراد مجرب حل نکنند، یکی پس از دیگری روی هم انباشده و حتماً بازتاب بسیار بدی در آینده خواهد داشت البته اشتباه در زندگی همه افراد وجود دارد که می‌بایست با داشتن درک متقابل و به‌موقع به حل‌وفصل نمودن اشتباه و اختلافات، همدیگر را یاری کنند. بنابراین به نظر می‌رسد که رابطه زناشویی مانند یک گل است و مستلزم تأمین نیازها و نگهداری است و رشد و سرسبزی این رابطه، برای استحکام کیان خانواده بسیار حائز اهمیت

در ابتدا باید توجه داشته باشیم که اکثر زوج‌ها قبل از اقدام به جدایی و طلاق، مشکلات و اختلاف‌هایی در زندگی با همسر خود دارند که هیچ‌کدام را به‌موقع حل‌وفصل نکرده‌اند و کوهی از تنفر و کینه ایجاد شده که زندگی کردن با همسر را غیرممکن ساخته و به مرور زمان اثر منفی خود را بر زندگی آنان گذاشته است. یکی از اصلی‌ترین عوامل طلاق و جدایی بین زوجین در زندگی مشترک همان تأمین‌نشدن از سوی همسر است.

متأسفانه برخی از زوجین با بی‌اهمیتی به نیازهای عاطفی، روحی و جنسی همسر خود، سعی بر این دارند که انتقام اختلاف‌ها و مشکلات گذشته را بگیرند و تصور می‌کنند که همه مشکلات و اختلاف‌ها از سوی همسرشان است و درنهایت با مراجعه به دادگاه خانواده و ارائه دادخواست طلاق، بسیاری از چیزهایی را